انترناسیونال 817

حسن صالحی

**کمونیسم متفاوت ما!**

"کمونیستی" که فکر می کند در یک تظاهرات خیابانی علیه جمهوری اسلامی با سر دادن شعارهایی علیه اپوزیسیون بورژوایی حکومت، پیروزی انقلاب مردم ایران را تضمین کرده است سخت در اشتباه است. در شرایطی که جمهوری اسلامی بر سر کار است و جنبش انقلابی مردم قبل از هر چیز حکومت را نشانه گرفته است، شعار دادن در تظاهرات خیابانی علیه اپوزیسیون حکومت اعم از رضا پهلوی و یا مجاهد و یا حزب دمکرات، نادرست و ضعیف کردن حمله به جمهوری اسلامی است. چپ حاشیه ای با انجام چنین کاری فقط سند انزوای خود را امضا کرده است. لازم نیست کسی آنها را منزوی کند. مبنای قضاوت مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی این است که کدام جریان سیاسی قادر است که به نحو کامل تر و همه جانبه ای تر "نه مردم" به این حکومت را نمایندگی کند. مردم به دنبال نیروهای چپی نمی افتند که به دلیل "دلواپسی" از قاپ زدن جنبش انقلابی مردم توسط نیروهای راست با سراسیمگی در خیابان علیه این اپوزیسیون شعار سر می دهند. بخصوص آنجایی که این جریانات اصلا هیچ نقشی در برگزاری تظاهرات ضد حکومتی نداشته اند. این نشانه قدرت نیست. این نشانه بی اعتماد به نفسی، نشانه ضعف است. قدرت گرفتن چپ در ایران قبل از هر چیز مستلزم این است که چپ در راس مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواستهای مردم معترض را نمایندگی کند. کمونیستها همواره جریانات بورژوایی را مورد نقد قرار داده و می دهند ولی در مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، زدن آلترناتيو راست از طریق شعار دادن علیه این اپوزیسیون در اعتراضات ضد حکومتی نمی گذرد. بلکه از طریق نقد رویکرد این جریان به سرنگونی جمهوری اسلامی و مقابله با مانع تراشی این جریان بر سر انقلاب مردم می گذرد. نقد سیاسی و اجتماعی این اپوزیسیون در خیابان از طریق سر دادن شعارهایی علیه آن صورت نمی گیرد. بلکه از طریق سر دادن شعارهایی صورت می گیرد که از قضا این جریانات سر نمی دهند. شما به هر درجه که فریاد زنید "اعدام قتل عمد دولتی است"، "نیروهای سرکوبگر باید منحل شوند"، بر اداره شورایی و رفاه و آزادی تاکید کنید و ... قدرت نفوذ اپوزیسیون بورژوایی را در خیابان بسته اید. ما همیشه چنین عمل کرده ایم و همیشه نیز موفق بوده ایم.

اشکال چپ در جریان انقلاب ۵۷ این نبود که در اعتراضات خیابانی علیه خمینی شعار نداد. اشکال این بود که چپ بطور متشکل اصولا وجود نداشت که با طرح شعارهای سلبی علیه حکومت پهلوی و ترجمه سرنگونی دیکتاتوری پهلوی به گزینشی قابل انتخاب برای مردم باشد. اما این چپ الان وجود دارد و اثر و نشانه آن را در هر جنبش اعتراضی در ایران و منجمله اعتراضات اخیر دانشجویان تهران علیه حجاب اجباری و تحمیلات مذهبی می شود ملاحظه کرد.

خیلی خوشحال هستم که حزب کمونیست کارگری ایران با چپ حاشیه ای همواره مرزبندی داشته و راه و رویکردش متفاوت بوده است. خیلی خوشحال هستم که ما حزبی هستیم که در قاطعیت مبارزه خودمان علیه جمهوری اسلامی، علیرغم نق و نوق زدن بعضی چپ های دیگر، کنفرانس برلین را خلق کردیم و اجازه ندادیم که عده ای با ماله کشی، جمهوری اسلامی را حفظ کنند. من خیلی به چپ متشکل در حزب کمونیست کارگری می بالم که در عرصه مبارزه علیه سنگسار و اعدام گلوی جمهوری اسلامی را گرفت، خیلی ها را از اعدام نجات داد، هزینه اعدام ها را برای جمهوری اسلامی بالا برد و الان خیلی نیز از "اعدام قتل عمد دولتی است" حرف می زنند. من خیلی بر این چپ می بالم که حتی وقتی جمهوری اسلامی از آن حرف می زند می گوید مشغول سازمان دادن اعتراض اجتماعی هستند. من به این چپ افتخار می کنم که تمام خاکریزهایی را که اپوزیسیون بورژوایی بر راه سر مردم ایجاد کرده است نظیر رفراندم، رژیم چنج، فدرالیسم فرشگرد، ققنوس و ... نقد و افشا کرده و به مردم راه و مسیر درست را نشان داده است. ما تنها چپی هستیم که کوهی از ادبیات در نقد ناسیونالیسم، مذهب، تعبیر سرمایه دارانه از آزادي ، پست مدرنیسم، کورش پرستی... داشته ایم. فقط یک قلم از بحث ها و گفتمان ما پیرامون متعفن بودن ناسیونالیسم، در نقد مذهب و انجام مذهب زدایی در ایران و همینطور نقد عمیق ما به بردگی مزدی و رزم و مبارزه ما در این عرصه ها کافیست که مشخص کند که این کمونیسم کجا ایستاده است و به دنبال چیست. ما می دانیم مشغول چه هستیم و محکم تر از پیش به این راه ادامه خواهیم داد و به چیزی کمتر از رفتن جمهوری اسلامی و یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی در ایران قانع نمی شویم .چپ حاشیه ای که به دلیل عرق ضد آمریکایی اش حسن نصراله حزب الله را مورد تحسین قرار می داد و قرار بود که با حجاریان دو خردادی مجلس موسسان تشکیل بدهد و در مقابل حمله نظامی آمریکا به ایران به ما قول داده بود که مبارزه علیه جمهوری اسلامی را در طاقچه بگذارد، ربطی به ما و جنبش انقلابی کارگران و مردم زحمتکش ایران ندارد.